



تاریخ
۱
مهر
۱۴۰۰
پنجشنبه

روانشناسی کودک و نوجوان

روانشناسی کودک از نظر کلی بحث تازه و مستقلی است که درباره هوشیاری و بیداری روان کودک و تأثیر آن در رشد و نمو تدریجی او گفتگو می‌کند. و به ما می‌آموزد این موجود کوچک و ناتوان که یک روز یک قطعه گوشت و پوست ناتوان بوده چگونه رفتار و کردار خود را در این جهان وسیع آموخته و با چه شرایطی به دوران جوانی رسیده است. پرورش تدریجی روان کودک با آنچه که مربوط به رشد و پیشرفت اعضاء بدنی و مراحل بلوغ اوست کاملاً متفاوت و جدا از هم هستند و این دو مرحله مستقل دارای شرایط مخصوصی است که هر دو به موازات هم پیش می‌روند و از یکدیگر کمک می‌گیرند از آن گذشته برای شناختن مراحل روانی کودک کافی نیست که کودک را از زمان به دنیا آمدن مورد مطالعه قرار دهیم زیرا قبل از به دنیا آمدن در زمانی که نطفه او بسته می‌شود در آن محیط تنگ و تاریک بدون آنکه ما بدانیم عوامل و شرایطی وجود دارد که اساس زندگی او پایه‌گذاری می‌شود و از این نتیجه می‌گیریم که از یک نقطه‌نظر تئوری روانشناسی کودک بایستی از زمان قبل از تولد مورد بررسی قرار گیرد و بدانیم که این کودک در کدام محیط و تحت کدام شرایط و از کدام پدر و مادر به‌وجود آمده و این خود بحث بسیار مفصل و پیچیده‌ای است که پایه آن بر روی قوانین توارث استوار می‌گردد و بعد از تولید شرایط آموزش و پرورش و بسیاری عوامل دیگر در پیشرفت اعضاء بدن و سلسله اعصاب او مؤثر است و با عواملی که در رشد و نمو اعضاء بدن تأثیر دارد. روان او نیز در کش و قوس تحولات زندگی مراحل خود را خواه، ناخواه می‌پیماید.

البته شرایط محیطی نیز از نقطه‌نظر جسمی و روانی در او و در سازندگی شخصیت او تأثیر دارد و اگر اعضاء بدن کودک از روی سیستم مخصوص رشد نماید در شکوفندگی و پیشرفت قوای روانی او بی‌تأثیر نخواهد بود و به‌عبارت ساده در روانشناسی کودک، کودک را برای خودش مطالعه می‌کنند و روانشناس باید بداند خصوصیات ارثی عامل مهمی در عقب ماندن و یا جلو افتادن شرایط روانی کودک به‌شمار می‌آید. باید اضافه کنیم مسئله ژن‌شناسی و عوامل ارثی چون موضوع بسیار پیچیده‌ای بود تا مدت‌ها کسی به آن توجه نداشت ولی از قرن نوزدهم این مسئله اساسی در روانشناس کودک جای خود را باز کرد و دانشمندان توجه بسیار به آن نموده و دانستند که قسمت مهم و عامل اصلی پیشرفت روان کودک زمانی پایه‌گذاری می‌شود که هنوز کودک به‌دنیای نیامده است دلیل آن بسیار روشن است در خانواده‌ای که ۲ یا ۳ فرزند زندگی می‌کنند. فرزندان یک مادر و پدر از لحاظ روانی و استعداد با هم فرق دارند، یکی از آنها با هوش و دیگری کاردانی و سومی فاقد احساسات و صفات انسانی است در حالی‌که هر سه آنها تحت یک برنامه و شرایط مساوی به‌وجود آمده‌اند اما اگر زمان نطفه‌گذاری را با شرایط زندگی پدر و مادر مورد مطالعه قرار دهیم مشاهده می‌شود که این پدر و مادر در تمام ادوار زندگی دارای یک نوع حالت روانی نبوده و شرایط زندگی هر زمان با زمان دیگر فرقی داشته است .

بنابراین تمام شرایط زندگی و عوامل روانی در پایه‌گذاری وجود کودک خواه ناخواه دارای استعداد یا تمایلاتی است که قبل از تولد بنیان نهاده شده محیط خارج و روش تعلیم و تربیت نیز تا اندازه‌ای تمایلات و خصوصیات او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین روانشناسان کودک در حالی‌که پیشروی روان او را مطالعه می‌کنند باید بدانند اساس هستی این کودک با چه شرایطی پایه‌گذاری شده و بعد از تولید محیط و اطرافیان چه تأثیری در او باقی گذاشته‌اند. کسی‌که روان کودک را مورد مطالعه قرار می‌دهند از عواملی که باعث پیدایش این خصوصیات شده باید آگاهی کامل داشته باشد در زمان گذشته کودک را به‌نام اینکه کودک بود، به او توجهی نداشتند و تربیت و پرورش او را نیز از وظایف لازم نمی‌شمردند اما امروز به این نکته توجه دارند که کودک یک انسان کوچکی است و بایستی روح و روان و جسم او به موازات هم و به شرایط مساوی پرورش نماید و اگر در امور جسمی او نواقصی موجود است در رفع آن بکوشد زیرا اگر به‌طور مثال کودک دیرتر از زمان معین راه رفتن را یاد بگیرد این ناتوانی در روان او اثر خواهد گذاشت به این معنی‌که هر ناتوانی جسمی در عقب انداختن هشیاری روانی او بی اثر نخواهد بود. تست‌ها و آزمایش‌های روانی این مشکل را تا اندازه‌ای حل کرده و روانشناس با کمک آزمایش‌های لازم روح و جسم کودک را به یک نسبت مساوی پرورش می‌دهد تا بتواند از یک کودک خردسال و ناتوان در آینده یک انسان کامل و بدون عیب و نقص بسازد. روان‌شناس کودک این مسائل را با ما گفتگو می‌کند: کودک شما در چه شرایطی به‌وجود آمده و بعد از تولد و چه وظایفی و تکالیفی را برای پرورش او بر عهده دارید- و البته اگر این روش درست، با سیستم‌های امروزی دنبال شود، بدون تردید کودکان امروز که پدران و مادران آینده به‌شمار می‌روند از لحاظ روانی بدون نقص و عیب وارد جامعه خواهند شد .

**تربیت فرزندان**

همه پدران و مادران در سال‌های اولیه تربیت فرزندان خود با مشکلاتی از قبیل عدم اطمینان و یا اینکه ممکن است در تربیت آنها اشتباه یکنند، مواجه هستند و خواهان مشاوره برای حل این مشکلات هستند. آنها می‌خواهند بدانند: چگونه می‌توان گریه کودک را کنترل کرد؟ یا اینکه در چه سنی آموزش توالث رفتن باید شروع شود و اینکار چگونه باید انجام شود؟ یا اینکه چه مقدار غذا در هر وعده به کودک باید داده شود؟ یا چطور باید از عهده خشم کودک برآئیم؟

گاهی والدین کودکانشان را غیرقابل کنترل می‌یابند و به همین دلیل،

آنها غصه‌دار، ناراحت و عصبانی می‌شوند. چنین والدینی به جایی می‌رسند که احساس می‌کنند که باید خارج از خانواده دخالت و یا راهنمایی صورت پذیرد تا یک رابطه مؤثر و رضایت‌بخش در بین اعضاء خانواده برقرار شود.

مشکلات رفتاری که بسیاری از کودکان در سال‌های اولیه از خود نشان می‌دهند، سرانجام برطرف می‌شوند. ولی گروهی از کودکان هستند که مشکلات آنها تداوم می‌یابد. پیش‌بینی اینکه کدام دسته از کودکان شامل این گروه هستند، این امکان وجود دارد که بتوان حدس زد، کدام یک از گروه‌های کودکان مشکلاتشان تداوم می‌یابد.

**والدین؛ اثر گذارترین الگو مریبان، مهم ترین راهنما**

خانواده پایدارترین و موثرترین گروه اولیه است که در تکوین شخصیت کودک و نوجوان تأثیر به سزایی را ایفا می‌کند. دلیل اصلی این تأثیر نوع روابط و ماهیت تعاملی است که بین اعضای آن جاری ست.از نخستین لحظاتی که فرد حیات خود را آغاز می‌کند در درون

## سخن بزرگان

**تا زنده‌ای باید زندگی کنی**

**و برای زیستن حرکت لازم است**

**اگوست کنت**



### روان‌شناسی کودک و نوجوان

خانواده قرار دارد و تا پایان زندگی نیز به نوعی از آن متأثر خواهد شد. آثار تربیتی خانواده بر فرد به اندازه ای عمیق است که به مسیر بعدی زندگی جهت می‌دهد و فعالیت های تربیتی معلمان و مربیان کمتر در این تأثیر خانوادگی تغییرات اساسی به وجود می‌آورد. هر یک از صفات الهی باید به نوعی در نهاد مقدس خانواده جلوه گر باشد اگر چنین چیزی تحقق پیدا کند، خانواده فرزندانِ الهی با ویژگی های رحمانی و انسانی تربیت خواهد کرد و در غیر این صورت افراد مطلوبی پرورش نخواهند یافت.

دلیل اصلی تأثیرپذیری فرزندان از خانواده الگو بودن پدر و مادر برای آن هاست. در نظر فرزندان پدر و مادر مهم ترین و زیباترین شخصیت و کامل ترین انسان به حساب می‌آیند و آن چه که از والدین سر می‌زند برای آنان مطلوب ترین رفتار است و به همین دلیل با رفتار و عملکرد پدر و مادر خود همانندسازی می‌کنند و سعی دارند خود را به همان شکل درآورند. معلم نیز باید از مکانیسم تأثیر خانواده بر کودک آگاهی کافی داشته باشد. ضرورت و اهمیت این آگاهی در آن است که معلم و والدین باغبانان گل های زندگی یعنی کودکان هستند و شناخت متقابل این دو و هم سویی آنان در پرورش فرزندان امری ضروری است.

گفتگانی را در نظر بگیرید که در آن دو باغبان به پرورش گل ها می‌پردازند. اگر هر کدام از آن ها بی خبر از دیگری به گل ها آب بدهد، ممکن است باغبان دیگر نیز همان کار را تکرار کند و یا به امید دیگری از گل ها مراقبت نکند که هر دوی این حالت ها برای پرورش گل زیان بار است و نتیجه این ناهماهنگی پژمردن گل هاست؛ اگر معلم در مدرسه به نوعی فعالیت داشته باشد و پدر یا مادر در خانواده به طور دیگری رفتار کنند، روی دانش آموز آثار منفی برجای خواهند گذاشت چرا که پیام تربیتی باید وحدت داشته باشد تا تأثیر بگذارد. اگر ۲ پیام متضاد به دانش آموز برسد باعث سردرگمی و تعارض او شده و مانع آن می‌شود که جهت تربیتی سالم خود را بیابد. برای مثال وقتی که معلمی دانش آموز دختری را به رعایت حجاب دعوت می‌کند، خانواده و به خصوص مادر نیز باید همین پیام را به او القا کنند. زیرا اگر مادر یا رفتار و کردار خود به حجاب بی‌ اعتنایی و بی تفاوتی نشان دهد، کودک در پیدا کردن الگوی تربیتی با مشکلات جدی مواجه خواهد شد پس چه نیکوست که والدین و مربیان از نقش عظیم و موثر خود در تربیت کودکان و وظیفه انسان سازی خویش آگاه باشند و به خوبی به آن عمل کنند.

**تعلیم و تربیت چیست؟**

"بچه باتربیت" یا هر هرگز در مورد این اصطلاح، که به‌عنوان قدردانی از والدینی که نقش خود را خوب ایفاء کرده‌اند به‌کار برده می‌شود،اما در حقیقت تنها گویای ادب و رفتار خوب در سر میز غذا و در اجتماع است، فکر کرده‌اید؟

اصطلاح "بچه تربیت" هم درباره کودکی به کار می‌رود که "ادب ندارد" به بزرگترها سلام نمی‌کند، حرف‌های بد می‌زند و هنگام غذا خوردن آرنج‌هایش را روی میز می‌گذارد فقط همین. در این اصطلاح رایج تعلیم و تربیت اصلاً شجاعت، اراده، صداقت، راستگویی، شخصیت و ابتکار کودک مطرح نیست.

کلمات تأثیر خود را می‌گذارند. از فرط شنیدن اصطلاح‌های "با تربیت" و "بی‌تربیت" با مفهومی که در بالا آمد، پدران و مادران واقعاً خیال می‌کنند که تعلیم و تربیت قبل از هر چیز به معنی یاد دادن رفتار مۆدبانه است. بدین‌گونه که دختر بچه‌ای که آرام و ساکت روی صندلی می‌نشیند، صدایش درمی‌آید، هرگز درخواست شیرینی نمی‌کند، تحسین مادران همسایه را برمی‌انگیزد. در صورتی‌که در مورد پسر بچه‌ای که شلُغ و پرسر و صدا است، قبل از اینکه بسنتی را تعارفش کنند از آن درخواست می‌کند و به میان حرف بزرگ‌ترها دود بد قضاوت می‌کند. در هر دو حالت، جای بسی تأسف است که رفتارهای از کودک را که هیچ رابطه‌ای با شخصیت او ندارد ملاک قرار می‌دهند.

پرورش دادن یک کودک، مسلماً به معنی آموختن رفتار صحیح و مرتب بودن نیز هست. ادب لازم است. طفلی‌که آداب معاشرت نمی‌داند، در آینده در رنج خواهد بود اما تعلیم و تربیت چیز دیگری است. تعلیم و تربیت به معنای هنر راهنمایی طفل در طول رشد او است تا کودک بتواند رشدی هماهنگ داشته باشد و هیچ چیز مانع از آن نگردد. رشد را چگونه می‌توان خلاصه کرد؟ رشد و نمو به مفهوم جدائی تدریجی طفل از گهواره و از وابستگی کامل به شما است، تا بتواند در آینده فردی بالغ، آزاد و مستقل باشد. اما انسان یکبارہ در ۱۸ سالگی بالغ نمی‌شود. تعلیم بلوغ سال‌ها طول می‌کشد و به قیمت جدائی‌های قدیمی به‌دست می‌آید. تولد، از شیر گرفتن، مدرسه، همه و همه به کودک می‌آموزد که به‌تدریج از شما جدا شود. گوئی کودک از همان آغاز می‌داند که سرنوشتش این است که شما را ترک کند، و به همین دلیل است که حتی هنگامی‌که هنوز نمی‌تواند خوب راه برود از اینکه می‌خواهید دست او را بگیرید عصبانی می‌شود. تازه دو کلمه یاد گرفته که فریاد می‌زند: "من دیگه بچه نیستم!" و در بین صحبت‌هایش مدام عبارت : " وقتی بزرگ شدم" به گوش می‌رسد. اگر می‌خواهد مثل بابا، ماما و یا مثل یک خواهر بزرگتر عمل کند برای این است که علاقه دارد هر کاری را تنها انجام دهد. اگر می‌خواهد لیوان آب خویش را خودش تنها و بدون کمک شما در دست بگیرد، ادا نیست. اگر در خیابان می‌خواهد دست شما را ول کند، و یا اگر در آینده مایل است بدون شما به مدرسه برود. این خواست طبیعی اوست. این تکامل و تمایل او را نشان می‌دهد که به‌تدریج رو به پیشرفت است.

آیا فکر نمی‌کنید که با شناخت این مطلب همه چیز روشن می‌شود؟ کودکی را که می‌تواند راه برود در کالسکه‌اش می‌گذارند. طفلی‌سه ساله را که می‌خواهد مثل برادرش به کودکان برود نزد خود نگه می‌دارند و مرتب به او می‌گویند: "نو هنوز خیلی کوچک هستی!"

صفحه
۵
شماره
۳۱۸۰
سال
بیست‌وهفتم

<span><span>مجله سیاره گامیت</span></span>
--



تمام اینها با رشد او مغایرت دارد. نگاهی به پیرامون خود بیندازید، آیا اینطور نیست؟ اغلب در مقابل تمایل کودک به بزرگ شدن، گوئی خواست ناخودآگاه پدر و مادر این است که فرزندانشان کوچک بماند. در این صورت آرزوی کودک نامفهوم و سرخورده باقی می‌ماند. اگر با پای فردی در حال رشد، همیشه یک شماره کفش بپوشاند، این فرد بزرگ می‌شود ولی پاهائی زشت و بدقواره خواهد داشت، به همین صورت، اگر از دادن آزادی که طفل برای رشد خود به آن احتیاج دارد خودداری کنید، در هر صورت او تکامل می‌یابد ولی در زندگی فردی گوشه‌گیر، کز کرده و ناراحت خواهد بود.

بنابراین، ناراحت نشوید اگر دست کودکان را ول کنید، او را گم نخواهید کرد. بر عکس از این آزادی که به او داده‌اید از شما سیاسگزار خواهد بود. بدین ترتیب که اگر تنها در حیاط است، برایتان گل می‌کند و یا اگر تنها به مسافرت می‌رود، برایتان نامه می‌نویسد. در طول زندگی بعضی از روابط از بین می‌روند و برخی دیگر ایجاد می‌شوند.

درباره بسیاری رودخانه‌ها چنین گفته می‌شود که: "جریانی تند و نامنظم دارند". رشد و تکامل کودک همانند جریان رود است. خیز می‌گیرد، از موانع عبور می‌کند، می‌جهد و جلو می‌رود در نتیجه حرکتش بر خلاف آنی است که خیلی‌ها تصور می‌کنند. برای عده زیادی رشد و نمو به مثابه یک پیشرفت کند و منظم به‌سوی تکامل است که همان بلوغ باشد. چه اشتباهی! به صرف اینکه طفل بزرگ می‌شود نمی‌توان گفت که هر روز پیشرفتی به‌سوی عقل، هوش، ظرافت و فرمانبرداری انجام دهد. نه، بلکه دو پا به جلو برمی‌آرد سپس یک پا به عقب، به موانع زیادی برمی‌خورد که در طول رشد او نقش فرمز را دارند. اما اگر فرزندان در مقابل مانعی قرار گیرد، قضاوت در این باره که آیا می‌تواند از آن عبور کند به عهده شما است. آیا او به اندازه کافی از نظر جسمی قوی هست که تنها راه برود؟ آیا از نظر عاطفی قدرت این را دارد که پانزده روز از شما دور بماند؟ پاسخ دادن به این سؤا‌له‌ها یکی از مشکلات تعلیم و تربیت است.

پرورش کودک فقط به این محدود نمی‌شود که بگذارید استعدادهایشان شکوفا شود موانع را از سر رهاش بردارید و به رشد او کمک کنید. پرورش‌دهنده کار دیگری نیز دارد. او باید کودک را به طرف ذوق و قریحه‌اش راهنمایی کند تا طفل بتواند به آن جامع عمل بپوشاند. زیرا برای اینکه آدم در زندگی کسی باشد فقط بالغ شدن کافی نیست. فرد زمانی به شکوفائی می‌رسد که بتواند قریحه خود را عملی کند و آن چیزی بشود که به خاطرش به دنیا آمده است: مهندس یا هنرمند، کاسب یا حسابدار و خلاصه اینکه "تربیت خوب" یعنی اینکه اجازه دهیم کودک همانی بشود که باید باشد).

کودکی که طبعی هنرمند دارد، اگر خوب تربیت شود در بزرگی هنرمند خوب و برجسته‌ای خواهد شد.

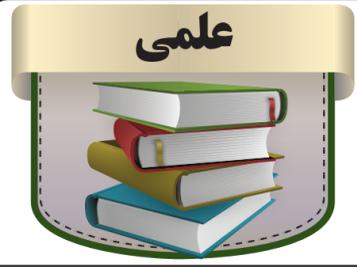
**آموزش، تنبیه، تشویق**

محیط ایده‌آل محیطی است که در آن، طفل در دبستان از امکانات آموزشی بسیار عالی برخوردار است و در منزل هم گذشته از کمک والدین با سواد، از انواع و اقسام سرگرمی‌های آموزنده برخوردار است. منظور ما محیطی است که در آن طفل مصموم بعد از صرف ۴ یا ۵ ساعت از بهترین ساعات عمر خود در مدرسه، ساعات بیکاری را با بازی فوتبال در کوچه‌ها و درگیری با پسر همسایه پر می‌کند. روشهای آموزشی که در گذشته با تنبیه بدنی همراه بود ، کاملاً نگوئیده و در خور دلائل آموزش می‌بایست کتکهای روز جمعه را

پنجشنبه نوش جان می‌کردند و یا سیاه کردن انگشتان به وسیله مداد که در اکثر مواقع توانایی انجام تکلیف را از دانش آموزان به کلی سلب می‌کرد. در این دوره متأسفانه، بعضی از مواقع دانش آموزان با مساله کتک کاری نوعی زندگی مسالمت آمیز را در پیش می‌گرفتند؛به این صورت که تنبیه شدن از بخشهای لینفک آموزشگاهی آنان شده بود هدف این گونه تنبیهات جز خشونت و رفع عقده نبوده است.

این اعمال کاملاً غیرانسانی و با اصول انسانی سازگار نیستند و خواهند بود. بتدریج با گذشت زمان ، از شدت این گونه تنبیهات کاسته و تهدید جایگزین آن شد. تهدیدی جدی و البته گاهی موارد، در قالب تشویق ! همان سیاست تنبیه و تشویق یا چماق و شیرینی.

در این نوع از محیط‌های آموزشی که چند سالی به طول انجامید دانش آموز می دانست که تنها با ارائه درست درس می‌تواند از زیر ضربات طاعت فرسای اولیای آموزشگاه جان سالم به در برده و تشویق‌های آنان یا اولیای خانه و حتی دوست و آشنا را به قیمت صرف وقت



صفحه
۵
شماره
۳۱۸۰
سال
بیست‌وهفتم

گراهنمایش با خواندن اجباری چند کتاب با جملات قلمبه سلبه ، متوجه خود سازد. در چنین محیط‌هایی، از یکسو از بیم تنبیه ها و از سوی دیگر در مواجهه با تشویق‌های کذایی، عمر دانش آموز تلف می‌شد طی این دوره ، دانش آموز لحظه‌ای درس را برای درس نخواندند. هدفشان از درس خواندن یا اصلاً فرار از تنبیه بود ، یا وصال به تشویق ! نتیجه این که میل باطنی نقشی نداشت.

امکانات آموزشی برای دانش آموزان محرکی مثبت است ، اگر این عنصر نباشد، رکود خودنمایی می‌کند و در نتیجه استعداها از بین می‌روند. باید به نحوی محرکی را به وجود آورد تا این استعداها پژمرده نشوند. امروزه عنصر تشویق ، به تنهایی نقش بازی می‌کند و با کمی دقت می‌توان دریافت که چقدر نتیجه این بازی مایه تاسف است ؛ چرا که هدف دانش آموز، کسب تشویق خواهد شد نه کسب دانش. جالب این که، خارج از چارچوب درس و مدرسه ، مطالعه کتب ساده و یا مشکل ، همراه با لذتی وصف نشدنی است چون نه تشویقی در کار است و نه تنبیه.

میل باطنی فعال شده و نقشش را بخوبی ایفاء می‌کند اما این زمان برای خیلی‌ها زیاد به طول نمی‌انجامد؛ چرا که وحشت از آینده که خود معلول عواملی از جمله بیکاری ، فقر مادی ، ناپسامانی‌های اقتصادی ، اجتماعی است ، مسیر مطالعه را تغییر می‌دهد. قصور در امر مطالعه ، ویران کننده سعادت آینده است درس را باید در آرامش فکری خواند. هیچ یک از موارد به تنهایی موثر نخواهند بود ، اگر امکانات آموزشی کافی در دسترس نباشد.

**نقش والدین در تربیت فرزندان**

والدین در تربیت فرزندان خود نقش مهم و سرنوشت‌سازی دارند. آنان باید برای فرزندان خود دوست و محرم باشند. دوستی پدر و مادر با فرزندان سبب می‌شود تا آنان بتوانند بدون ترس، مشکلات، دیده‌ها و

شنیده‌های خود را به والدین بگویند.

پدران و مادران از آنجایی که با فکر، شخصیت و اخلاق فرزندان خود، آشنا هستند می‌توانند راهنمای خوبی برای آنان باشند. متأسفانه بسیاری از آسیب‌ها توسط والدین و مربیان ناآگاه، از روی دلسوزی و محبت بی‌جا برای فرزندان ایجاد می‌شود. برای اینکه فرزندانان خوب تربیت شوند و از آسیب‌های رفتاری و اخلاقی در امان باشند به نکته‌های زیر توجه کنید:

در کارهای تربیتی عجله نکنید. آرام حرکت کنید تا به سرعت به هدف‌های خود برسید و بدانید که در مسائل تربیتی، خیلی وقت‌ها سکوت کردن از حرف زدن مهم‌تر است.

در محبت کردن، حد وسط را رعایت کنید و موقعیتی را ایجاد کنید تا فرزندان، خودشان تربیت را قبول کنند.

در تربیت دینی در نظر داشته باشید که هدف به وجود آوردن علاقه به مسایل دینی در فرزندان است.

اگر در تربیت، فرزندان، آمادگی نداشته باشند، تربیت اثر ندارد. همان طوری که اگر ریشه‌ی درخت در خاک نباشد، هر چقدر آب هم روی آن بگریزند، فایده‌ای ندارد. همچنین سعی کنید به چیزی که می‌گویید عمل کنید تا فرزندان نیز به آن عمل کنند.به تفاوت‌های فردی فرزندانان توجه کنید و به آنان احترام بگذارید. به علاوه سعی کنید راهی که برای تربیت فرزندان خود به کار می‌برید غیر مستقیم باشد؛ زیرا اثر آن بیشتر است از دعوا کردن یا بی‌توجه بودن نسبت به فرزندان خودداری و از تنبیه بدنی آنان پرهیز کنید.

**استعدادهای گوناگون فرزندانان را بشناسید**

والدین در خانه و معلمان در مدارس، عادت دارند برای دانش آموزی ارزش فوق‌العاده قایل شوند که در درس های زبان، ریاضی و یا علوم تجربی استعداد خوبی از خود نشان بدهد و اگر این دانش آموز در امتحان نهائی نمره ی خوبی از این درس ها بگیرد، او را جزو دانش آموزان فوق‌العاده و نابغه به حساب می‌آورند. و به سایر استعدادهای او اهمیّت نمی‌دهند. این نگرش باعث می‌شود تا والدین و معلمان فقط به دانش آموزانی توجه نشان دهندکه در دروس فوق استعداد درخشانی دارند و بقّته ی دانش آموزان علی‌رغم دارا بودن استعداد در دیگر رشته ها، از دایره توجه مربّیان خارج می‌شوند. این نگاه کوتاه بینانه باعث عصبان بسیاری از دانش آموزان می‌شود، چون آن ها نه در نظام تربیتی خانه و نه در نظام آموزشی مدرسه، جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده اند و به استعدادهایشان بهایی داده نشده است.

ما از فرزندانمان توقع داریم تا چشم بسته تابع دیدگاه ما باشند و بدون در نظر گرفتن استعدادها و امکاناتی که دارند از آن ها انتظار داریم برای پیشرفت و ترقّی خود در مسیری حرکت کنند که ما برای آن ها ترسیم می‌کنیم، در حالی که آن ها در درون خود به دنبال چیز دیگری هستند، اما نمی‌توانند آن را بیان کنند، چون سیستم آموزش اجتماعی به آن توجه نمی‌کند. به همین خاطر هم والدین و هم معلمان در رابطه با دانش آموزان با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. ما با خطر انحطاط سیستم آموزشی مواجه هستیم زیرا در مسیر استعدادهای طبیعی فرزندانمان قدم برمی‌داریم. معیار برتری از دیدگاه ما، محدود و مربوط به گذشته است، به همین خاطر هر پدر و مادری آرزو می‌کند که فرزندش، پزشک یا مهندس شود و سایر حرفه ها و گرایش ها از اهمیّت ساقط می‌شوند. حکمت خداوند بر این قرار گرفت که انسان ها متفاوت آفریده شوند و برای هر انسانی استعدادهای متنوعی بیافریند و همین امر باعث حرکت، رشد و توسعه و تکامل زندگی انسان ها می‌شود.

<b>آگهی مناقصه عمومی شماره ۱ تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۰</b>	
نوبت انتشار مورخ: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱	
-مناقصه گذار: دهباری روستای رحمت آباد از توابع بخش رحمت آباد شهرستان زرقان استان فارس	
-شرح مختصر پروژه: زیرسازي معابر روستا	
-ارائه ضمانت نامه بانکی معتبر و غیر مشروط در وجه دهباری رحمت آباد	
-زمان فروش اسناد مناقصه: اسناد مناقصه از ساعت ۹ صبح روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تا ساعت ۱۲ ظهر روز پنج شنبه ۱۴ ۰۰/۰۷/۰۱ به مدت ۱۰ روز کاری به فروش می‌رسد.	
-محل دریافت اسناد مناقصه به آدرس: زرقان روستای رحمت آباد، دهباری رحمت آباد	
-نحوه خرید اسناد: واریز وجه نقد به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال به شماره حساب ۵۶۲۴۶۱۳۷۶۰۹۴۷۰۲ بست بانک به نام دهباری رحمت آباد	
-محلّت و محل تحویل پیشنهادات: حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۷	
-زمان تشکیل کمیسیون بازرگنایی باکات: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۸	
شرایط مناقصه <span> </span> : -داشنت حداقل رتبه ۵ راهسازی یا ابنیه از مراجع ذصلاح -فترات اول و دوم وسوم هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نندند سپرده آنها ضبط و وصول خواهد شد. -برنده مناقصه ملزم به ارائه ضمانت نامه بانکی به میزان ۵ درصد کل مبلغ قرارداد می باشد.	
-ارائه فیش واریزی جهت دریافت اوراق الزامی است.	
-هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.	
شماره تماس: ۰۹۳۷۴۹۹۰۱۷۴-۰۹۳۷۹۱۹۰۶۵۲	
۱۱۹۶۵۱۰	۳۶۶۸۶
۴۴۴۰ م الف	

**دهباری روستای رحمت آباد**